مجله علمی پژوهش درعلوم انسانی ومطالعات اجتماعی، شماره ۱۱ ، بهار ۱۳۹۷جلد۱، ص ۵۳۹-۵۲۷

http://www.jhss.ir

مجله علمی پژوهش در علوم انسانی ومطالعات اجتماعی (سال چهارم)
شماره ۱۱ / بهار ۱۳۹۷ / ص ۵۳۹-۵۲۷

بررسی رابطه بین سبک های هویت و عزت نفس جوانان

(مورد مطالعه: دانش اموزان دبیرستان های متوسطه دوم شهرستان ایرانشهر)

حمیداله روشنگر[۱]، شهرام ملانیا جلودار[۲] ، نجم الدین خلاده[۳]

[۱] کارشناسی ارشد جامعه شناسی، نویسنده مسئول

[۲] استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور

[۳] کارشناسی ارشدجامعه شناسی

نویسنده مسئول:

حمیداله روشنگر

چکیده

این تحقیق به بررسی رابطه بین عزت نفس و سبک‌های هویت در میان دانش اموزان دبیرستان های متوسطه دوم شهرستان ایرانشهر پرداخته است. برای تدوین مبانی نظری تحقیق از نظریه های جامعه شناسی، روانشناسی اجتماعی و روانشناسی (اریکسون، گیدنز، آلمال و چلبی) استفاده شده است. تحقیق به روش پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسشنامه انجام شده است. پرسشنامه تحقیق بر روی ۳۲۷ نفر از دانش آموزان پسر شهرستان ایرانشهر اجرا شده است. افراد مورد نظر به روش نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. در این تحقیق از پرسشنامه عزت نفس "کوپر" و پرسشنامه پایگاه هویت "من" استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان داد که سبک های هویت دستیابی و سبک هویت ممانعت با عزت نفس دانش آموزان دبیرستان های متوسطه دوم شهرستان ایرانشهر همبستگی مستقیم و معناداری داشته است. اما سبک هویت پراکندگی و سبک هویت تعلیق با عزت نفس دانش آموزان همبستگی معکوس و معناداری داشته است.

کلمات کیدی: سبک هویت، عزت نفس، سبک های هویت دستیابی، سبک هویت ممانعت، سبک هویت پراکندگی و سبک هویت تعلیق

** این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد می باشد.

مقدمه

انسان در زندگی به دنبال معنایی می گردد که به خاطرآن زندگی می کند و با رشد عقلانی فرد در دوره نوجوانی توجه او به ارزشها و اعتقادات ، مفاهیم حقیقت، زیبایی و مرگ و نیستی که در کل معنای زندگی است جلب می شود. نوجوان تمام روابط و باورهایی راکه در دوران کودکی بدون چون و چرا پذیرفته است، مورد پرسش و تردید قرار می دهد و سعی می کند با توجه به شخصیت شکل پذیر و استقلال جوی خود نظامی از ارزشها بدست آورد. بسیاری از نوجوانان وقتی برای اولین بار به دنیای اطراف خود می نگرند و سعی می کنند تا شخصیت خودرا ارزیابی نمایند، احساس می کنند که درباره جهان و معنای وجود انسان و حتی خودشان نیازمند پاسخ هستند (احمدی، ۱۳۷۷: ۴۶). بنابراین دوران نوجوانی به سبب تغییرات شدید جسمانی و روانی و از طرف دیگر انتظاراتی که خانواده و جامعه از نوجوان دارد و سایر عواملی که در روند رشد و تکامل نوجوان تاثیرمی گذارد بر حساسیت این دوره می افزاید. بر این اساس مسئله پذیرش نوجوان، حمایت، راهنمایی و مساعدت به نوجوان در کسب هویتی مستقل و ارزشمند از اهمیت فراوانی برخوردار است. نوجوان دراین دوره نیازمند دریافت رهنمودهای اساسی جهت دستیابی به یک زندگی هدفمند است.

موضوع هویت از جمله موضوعاتی است که از نظر روانشناسان و جامعه شناسان همواره مورد توجه بوده است، خصوصا در دهه های اخیر بالا رفتن اضطراب در نسل جوان و بحران هویتی که ریشه در تحولات نوین جهان دارد هویت فردی تا هویت ملی، مذهبی، قومی، فرهنگی و اجتماعی را تحت الشعاع خود قرار داده است. امروزه نیاز نوجوانان و جوانان به هویت و ثبات هویتی بیش از هر زمان دیگری است؛ زیرا مساله جهانی شدن و موضوع فرهنگ های تاریخی و خرده فرهنگ ها و محروم بودن کشورهای جهان سوم و نیمه صنعتی از تکنولوژی اطلاع رسانی برای حفظ هویت خویش در یک درگیری مداوم با هجوم امواج گاههای متفاوت با هویت شخصی، هویت فردی و اجتماعی را تحت تاثیر قرار می دهد (رمضانی، ۱۳۸۱: ۸). هویت عبارت است از افتراق و تمایزی که فرد بین خود و دیگران می‌گذارد. هویت شخصی سازی روانی – اجتماعی است و طرز فکر و عقاید و نحوه ارتباط فرد با دیگران را شامل می شود (احمدی، ۵۱:۱۳۷۵). بر اساس نظریه اریکسون (۱۹۶۸) اگر هویت شخصی جوان در طول زمان و براساس تجربیات حاصل از برخورد صحیح اجتماعی شکل بگیرد و جوان خود را بشناسد و از دیگران جدا سازد، تعادل روانی او تضمین می‌شود. ولی اگر به جای خود آگاهی و تشکیل هویت مثبت، دچار ابهام در نقش شود، هماهنگی و تعادل روانی او به هم می‌خورد و به بحران هویت دچار می‌شود (هیل هود ، ۱۳۸۲: ۲۳).

عزت نفس در زندگی افراد نقش تعیین کننده ای دارد. یکی از پیامدهای عمده علت یابی از بعد منابع بیرونی و درونی رابطه ای است که این اسنادها با عزّت نفس پیدا می کند. به عبارت دیگر، اگر موفقیت فرد به عوامل درونی نسبت داده شود، در او احساس غرور، عزت نفس و جرأت به وجود می آید و بر عکس، توجیه موفقیتی که به عوامل بیرونی چون شرایط و اوضاع و احوال محیطی و احیانا شانس و اقبال اِسناد داده شود و به کاهش عزّت نفس می انجامد. در نتیجه این گروه بسیار زود خسته می شوند. با انگیزه عمل نمی کنند و پشتکار کم تری در کارها از خود نشان می دهند (کدیور، ۱۳۸۰: ۲۱۰). احساس عزت نفس در نوجوان از نگرش والدین و معلمین و همسالانشان نسبت به آنها نشات می گیرد. عزت نفس نتیجه ارزشیابی خودانگاره است .بیشتر نوجوانان به طور فراینده ای یک خود ایده ال را که در مقایسه دایمی با خود واقعی انسان است، در خویشتن رشد می دهند. نتیجه این ارزشیابی ، احساس خوب بودن یا خوب نبودن است. دراین راستا ، عزت نفس یا ارزش گذاشتن به ویژگی های خود که یکی از موضوعات مهم و قابل بحث درباره رشد خود محسوب می شود، می تواند به شکل گیری یکی دیگر از جنبه های مهم رشد خود که همان شکل گیری و تکوین هویت فردی است، بیانجامد.

سئوال پژوهش

بنابراین این تحقیق به دنبال پاسخگویی به این سوال است که :

سبک های هویت (با مؤلفه های هویت دستیابی،هویت پراکندگی، هویت ممانعت و هویت تعلق) با عزت نفس دانش آموزان دبیرستان متوسطه دوم شهرستان ایرانشهر چه رابطه ای دارد؟

بررسی پیشینه تحقیق

فیضی (۱۳۹۵) تحقیقی با عنوان بررسی رابطه سبک های هویتی و عزت نفس با انطباق پذیری شغلی دانشجویان بر روی ۴۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه خوارزمی انجام داده است. نتایج بررسی یافته ها نشان داد که مولفه های دغدغه، کنجکاویی و اعتماد به غیر از مولفه کنترل در سطح ۰/۰۱ با سبک هویت سردرگم همبستگی منفی معناداری را دارند و همچنین مولفه های دغدغه، کنترل و اعتماد با سبک های هویت اطلاعاتی و تعهد و عزت نفس در سطح ۰/۰۱ همبستگی مثبت و معنادار دارند. بطور کلی انطباق‌پذیری با سبک هویت سردرگم همبستگی منفی معنادار و با سبک هویت اطلاعاتی، سبک هویت هنجاری، تعهد و عزت نفس همبستگی مثبت معناداری را دارد (p ۰۱/۰>). برقی جانیارلو(۱۳۹۲) پژوهشی در مورد ارتباط سبک های هویت، عزت نفس و خود پنداره با خود اثرمندی دانش آموزان دوره متوسطه در شهرستان اردبیل انجام داده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد سبک های هویت اطلاعاتی و هنجاری ارتباط مثبت معنادار و سبک هویت سردرگم- اجتنابی ارتباط منفی معنادار با خوداثرمندی دارد و هر سه سبک هویتی پیش بینی کننده ی خوداثرمندی می باشند. پیری (۱۳۸۳) تحقیقی با عنوان بررسی رابطه بین سبکهای هویت با مهارتهای زندگی (توانایی ابراز وجود و مقابله با فشار روانی) در دانش آموزان دختر مقطع پیش دانشگاهی تهران انجام داده است. نتایج نشان داد که: دانش آموزان دارای سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری بیشتر از سبک مقابله‌ای مساله مدار و دانش‌آموزان دارای سبک هویت سردرگم/ اجتنابی بیشتر با استفاده از سبک مقابله‌ای اجتنابی با فشار روانی مقابله می‌کنند. بین سبک هویت اطلاعاتی با ابراز وجود بنیادی/ فردی، ابراز وجود مقابله‌ای و با کل مقیاس همبستگی مثبت و معنی‌دار وجود دارد. قلعه نوعی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی به رابطه بین سبکهای هویت با عزت نفس در دانش آموزان پسر مقطع متوسطه شهر سبزوار پرداخته اند. یافته های پژوهش نشان داد بین سبک های هویت و عزت نفس رابطه مثبت و معناداری بدست آمد. جعفری و باقری (۱۳۹۵) در تحقیقی به بررسی سبکهای هویت، عزت نفس و دینداری دانشجویان دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی-واحد نکا انجام داده اند. نتایج حاکی از آن است افزایش میزان دینداری و عزت نفس میتواند موجب شکل گیری سبکهای هویت اطلاعاتی و هنجاری در افراد و بالعکس کاهش میزان دینداری و عزت نفس در افراد موجب شکل گیری سبکهای هویت سردرگم/ اجتنابی می گردد. مظلوم بنهنگی و فاروقی (۱۳۷۹) در تحقیق خود با عنوان بررسی رابطه عزت نفس با پایگاه های هویت دردانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد به این نتیجه رسیده اند که بین عزت نفس و پایگاه هویت دستیابی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و بین عزت نفس و پایگاه هویت تعلیق و پراکندگی رابطه منفی و معناداری وجود داشت. مال ویرانی (۱۳۹۶) در تحقیقی به بررسی رابطه سبک های هویت و عزت نفس با عملکرد تحصیلی دانش آموزان پیش دانشگاهی شهرستان ایذه پیرداخته است. نتایج پژوهش نشان داد که سبک هویت تعهد و عزت نفس با هم دارای رابطه معناداری بودند.

مبانی نظری تحقیق

در بررسی اصول نظری تحقیق از نظریات اریکسون، گیدنز، آلمال و چلبی استفاده شده است. اکثر صاحب نظران برخورداری عزت نفس رابه عنوان عامل مرکزی و اساسی درسازگاری ، اجتماعی– عاطفی افراد می دانند. شایستگی عاطفی– اجتما عی که از خودارزیابی مثبت می شود می تواند به عنوان سپر یا نیرویی در مقابل مشکلات خطیر آینده به کودک کمک کند(بیابانگرد، ۱۳۷۳: ۷۸). از نظر راجرز عزت نفس عبارت است از ارزیابی مداوم شخص نسبت به ارزشمندی خویشتن خود. عزت نفس نوعی قضاوت نسبت به ارزشمندی وجودی است. این صفت در انسان حالت عمومی دارد و محدود و زود گذر نیست. طبق نظر راجرز، این احساس عزت نفس در اثر نیاز به نظر مثبت بوجود می آید. نیاز به نظر مثبت دیگران شامل بازخوردها، طرز برخورد گرم و محبت آمیز، احترام ، صمیمیت ،

پذیرش و مهربانی از طرف محیط بخصوص اولیاء کودک می شود(شاملو ،۱۳۶۸: ۱۲۴). وجود اعتماد به نفس در افراد بویژه پایه گزاران آن از همان کودکی ضروری است و این ضرورت هم در رابطه با گذران امور مربوط به حیات روزمره است. و هم در رابطه با سلامت روانی و رشد و امکان کسب کمال. کودکان ما نیازمند اعتماد به نفس اند تا در سایه آن بتوانند راه خوشبختی خود را هموار کنند. به هر میزان که کودکان بیشتر رشد کنند و بیشتر با مسایل و دشواریهای زندگی مواجه گردند، نیاز آنها به اعتماد به نفس بیشتر خواهد شد (قایمی، ۱۳۶۴: ۲۶).

اریکسون تعاریف متعددی رابرای هویت ارایه کردکه از تفکر روان تحلیلی با تاکید بر رشد من سرچشمه می گیرد و برمبنای این عقیده قرار داد که من یک شخصیت پیوسته را سازمان می دهد و یکسان بودن و پیوستگی ای که توسط دیگران درک می شود را بدان می بخشد. وی می گوید اصطلاح هویت هم بریکسانی درونی بادوام درخود(یکسان بودن خود) و هم بر شریک شدن در بعضی از انواع رفتار با دیگران دلالت دارد (اریکسون ، ۱۹۵۶: ۲۱۹). مفهوم هویت که اریکسون عنوان می‌نماید تاکید بر این مساله دارد که مراحل رشد هر یک به طور مجزا در درون خود پایان نمی‌یابد, بلکه به هم پیوسته و وابسته بوده، مراحلی در جهت رشد فرد به عنوان فردی کامل و خودکفا می‌باشد که در زندگی لیاقت ایفای نقش یک بزرگسال را داشته و بتواند در نظام اجتماعی که در آن زندگی می‌کند, به اصطلاح جا بیفتد (اکبرزاده، ۱۳۷۶: ۶۵). لوکمان در رابطه با هویت می‌گوید که هویت یکی از اجزای اصیل واقعیت ذهنی است و مانند هرگونه واقیعت ذهنی پیوند دیالکتیک با جامعه دارد. هویت در اثر فرایند اجتماعی تشکیل می‌شود وپس از متبلور شدن باقی می‌ماند، تغییر می‌کند یا حتی درنتیجه روابط اجتماعی از نو شکل می‌گیرد. بارث و هال هم معتقدند که هویت مقوله‌های ثابت بینابینی و رخنه ناپذیر نیست؛ بلکه افراد در مقاطع زمانی مختلف هویت‌های متفاوتی را بر عهده می گیرند که حتی ممکن است حول مفهوم منسجم و واحد از شخصیت استوار نباشد (ذکایی،۱۳۸۰: ۴۲).

احساس تعلق به عنوان یک ایده کلیدی در مفهوم هویت عمل می کند. احساس تعلق به عنوان یک ایده در فهم هویت مهم است. اما این تعلق جمعی است که سازنده ی هویت جمعی خواهد بود. همچنین در تعریف هویت فرهنگی (در دایرۀ المعارف علوم اجتماعی یاد شده) آمده است که هویت فرهنگی احساس تعلق و همبستگی به جامعه و فرهنگ است به گونه ای که در رفتار اعضاء تأثیر می گذارد و این رفتار در اکثریت اعضاء مشترک می باشد و عضو این جامعه را از سایر جوامع متمایز می نماید و فرد در مقابل هنجارها و ارزش های جامعه ی خود احساس تعهد و تکلیف کند. در امور مختلف آن مشارکت جوید و انتظارات جامعه ی خود را پاسخ دهد و در مواقع بحرانی سرنوشت جامعه و غلبه بر بحران برای او مهم باشد لازم به ذکر است که این احساس تعلق جمعی مستلزم حمایت جمعی از فرد نیز می باشد که یک رابطه ی دو طرفه بین جامعه و فرد را الزام امور می نماید (آلمال، ۱۳۷۵: ۶۷). به نظر گیدنز هویت در رابطه با فرهنگ است و عبارت است از خود آن طوری که شخص از خودش تعریف می کند. انسان از طریق کنش متقابل با دیگران است که هویتش را ایجاد می کند و در جریان زندگی پیوسته آن را تغییر می دهد؛ هویت امر پایداری نیست، بلکه یک پدیده ی پویا و سیال و همواره در حال ایجاد شدن وعوض شدن می باشد. وی می گوید نیروی اساسی اغلب کنش ها (در جامعه جدید) مجموعه ای ناآگاهانه برای کسب احساس اعتماد در کنش متقابل با دیگران است به اعتقاد او، یکی از نیروهای پراکنده و موتور حرکتی کنش نیاز به رسیدن به امنیت هستی شناختی (یا حس اعتماد) است. چون انسانها میل دارند در روابط اجتماعی از میزان اضطراب خود بکاهند، این فرایند ناآگاهانه قبل از مکانیزم زبان آموزی و آگاهی قطعی بوجود می آید و منشأ کنش است و به همین دلیل سیال و پویاست. از نظر وی هویت در واقع همان چیزی است که فرد به آن آگاهی دارد؛ به عبارت دیگر هویت شخصی چیزی نیست که در نتیجه تداوم کنش های اجتماعی فرد به وی تفویض شده باشد، بلکه چیزی است که فرد باید آن را بطور مداوم و روزمره ایجاد کند ودر فعالیت های بازتابی خویش مورد حفاظت و پشتیبانی قرار دهد (گیدنز، ۱۳۸۵: ۸۱). گیدنز معتقد است که خود یک امر منفعل نیست که فقط از طریق تأثیرات درونی شکل بگیرد، افراد ضمن اینکه اقدام به ساختن و پرداختن هویت شخصی خویش می کنند به علاوه در ایجاد بعضی از تأثیرات اجتماعی دنیای اطراف خود مشارکت دارند در نتیجه افراد با انتخاب های متعددی روبرو می شوند که جوامع امروزی در پیش روی آنها قرار داده است و این وضعیت سبب می شود که افراد در تشکیل هویت خود دارای تنوع و گوناگونی مراجع هویت ساز باشند. گیدنز بر این باور است که تغییر شکل هویت شخصی و پدیده جهانی شدن در دوران متأخر دو قطب دیالکتیک محلی و جهانی را تشکیل می دهند (همان: ۸۲).

چلبی معتقد است که هویت فرد به شخص می گوید که تو چه کسی هستی، هویت فردی اشاره به چند بعدی بر معانی، انتظارات، ارزش های ابزاری و درونی نقش های اجتماعی محلی و اکتسابی است که شخص در زندگی اجتماعی ایفا می نمایند. در جوامع سنتی اغلب ارزش های محولی و نقش های مربوط به شبکه ی خویشاوندی تعیین کننده ی هویت فردی هستند، در جوامع معاصر به ویژه در جوامع صنعتی، نقش های اکتسابی به خصوص نقش شغلی جزء عمده ی هویت فردی را تشکیل می دهند (چلبی، ۱۳۷۵، ۷۳). از نظراریکسون تشکیل هویت شخصی در نوجوانان دارای این ویژگیهاست: ۱-نوجوان احساس ثبات وتداوم کند. ۲-افرادجامعه ودیگران اوراشخصی باثبات بدانندیعنی نوجوان باید بتواند تصویر باثباتی از خود به جامعه ارایه دهد. ۳-او باید براساس شواهد عینی و اطلاعات ملموس که از محیط دریافت می کند به ثبات شخصیتی خود تداوم بخشد (شاملو، ۱۳۶۶: ۱۳۶).

هر فردی دارای یک پایگاه هویت عمده می باشد. پایگاه هویت هویت افراد را می توان به موارد زیر تقسیم نمود:

۱-پایگاه هویت دستیابی: دستیابی به هویت از نظر رشدی پیشرفته‌ترین پایگاه است. فردی که در این حلقه قرار می‌گیرد دوره‌ای از جستجوی جایگزین‌های هویت را پشت سر گذاشته و تعهدهای به خوبی تعریف شده‌ای را ایجاد کرده است. او به طور جدی انتخابهای شغلی متعددی را در نظر گرفته و با توجه به شرایط خودش تصمیم‌گیری کرده است؛ اگرچه انتخاب نهایی او می‌تواند شکل تبدیل یافته‌ای از خواسته‌های والدین او باشد. در زمینه ایدئولوژی, عقاید گذشته‌اش را مجددا ارزشیابی می‌کند و به راه‌حل می‌رسد که او را آماده عمل می‌کند. به طور کلی اگر در معرض تغییرات ناگهانی محیط قرار گیرد، خود را نمی‌بازد. قدرت انعطاف، توصیف‌کنندهٔ روش این افراد با جهان است. آنان متفکر و درون‌نگر هستند و تحت تاثیر استرس از نظر شناختی عملکرد بسیار خوبی دارند. آنان حس شوخ‌طبعی دارند و پذیرای تجارب جدید هستند. مارسیا هویت دستیابی را تقریبا شامل رویارویی با بحران‌های شخصی و تصمیم‌گیری متفکرانه می‌داند. فرد نسبت به انتخابهای گوناگون و دشواری که زندگی برایش فراهم نموده، آگاه می‌گردد و این تقریبا رسیدن به میان واگرایی است که پیاژه مطرح می‌نماید. اریکسون (۱۹۹۵) در مورد این پایگاه هویت واضح‌ترین تعریف را می‌نماید: هنگامی که فرد بتواند بین تصوری که از یگانگی و ثبات درونی خود دارد و آن تصوری که دیگران از یگانگی و ثبات وی دارند هماهنگی ایجاد کند, اعتمادبه‌نفس حاصل می‌گردد.

۲-پایگاه هویت تعلیق: این پایگاه پیش درآمدی به دستیابی هویت است. فردی که در پایگاه هویت تعلیق قرار دارد در حال گذراندن دوره‌ای از جستجو (بحران) است. تعهدهایی به شکل نسبتا مهم دارد. این نوع هویت نتیجه تصمیم‌گیری سنجیده یا تعلیق می‌باشد که فرد به خود فرصتی می‌دهد تا از فشار ناشی از مدرسه، دانشگاه یا اولین شغل تا حدی خلاص یابد و طی آن خود را در تجارب بیازماید تا به شناخت عمیقی در مورد خود برسد. این فرد کوشش فعالی برای ایجاد تعهد دارد و سعی دارد که بین منابع گوناگون هویت هماهنگی و همخوانی ایجاد کند. این نوجوانان ظاهری، گاه گیج و سردرگم دارند که حاکی از دلمشغولی حیاتی و منازعه درونی‌اش با پرسشهایی است که در بعضی مواقع به نظر می‌رسد، برایش غیر قابل حل است.

۳-پایگاه هویت ممانعت: این افراد در عقاید خود راسخ هستند و از هر نوع جستجوی جدی اجتناب می‌کنند. پیامد آن شکل‌گیری ساختارهای هویت سختی است که در مواجه شدن با موقعیتهای جدید زندگی نفوذناپذیر است. اطمینان و امنیت، پاداش این افراد است. برای اینکه انتظار پیروی از نقشهای از پیش تعیین شده را برآورده ساخته‌اند. این افراد به ندرت به درمان رجوع می‌کنند، مگر هنگامی که رویدادهای خارجی آنها را مجبور به ارزیابی مجدد عقاید و اهداف بررسی نشده گذشته‌شان کند یا هنگامی که این عقاید تهدید می‌شوند. این افراد در برابر شرایط محیطی متقاضی سازگاری جدید بسیار آسیب پذیرند و نیز تصمیماتی که بسیاری از نوجوانان این پایگاه از آن اجتناب می‌کنند (به دلیل ترس از دست دادن تایید) ممکن است باعث کاهش عملکردهای دوران بزرگسالی و محدود کردن امکان رشد شود.

۴-پایگاه هویت پراکندگی: پراکندگی هویت از نظر رشدی پایگاه دارای کمترین پیشرفت است و پایگاه فردی است که به هیچ وجه جهت معینی در زندگی خود متعهد نشده باشد. اگر در گذشته دوره‌ای از بحران را تجربه کرده باشد، بدون آن که در پی آن تعهدی

را ایجاد کرده باشد. او در مورد هیچ چیز تصمیم نگرفته است. او به موضوعات ایدئولوژیک بی‌علاقه است یا یک رویکرد درهم و برهم دارد که در آن یک نظریه همانقدر خوب است که نظریات دیگر و او جرات آن را ندارد که از میان این دو نماهای متعدد یکی را برگزیند (کروگر, ۱۹۹۶: ۴۶-۴۳).

کلی در روان شناسی شناختی به گسترش این عقیده یعنی توجه به خود پرداخت و تاکید را بر اهمیت واکنش های افراد دیگر در شکل دادن به عزت نفس قرار داد. نظریه شناختی مثبتی بر این است که بالاترین منبع رشد و پیشرفت افراد، توان تفکر منطقی و واقع گرایانه و برخورد صحیح آنان در مورد خویش و در مورد جهان اطراف است (احمدی، ۱۳۶۳: ۶۹). مزلو معتقد است همه افراد جامعه ما به یک ارزشیابی ثابت و استوار و معمولا عالی از خودشان و به احترام به خود یا عزت نفس و یا به احترام به دیگران ، تمایل یا نیاز دارند. او نیاز به احترام را دو نوع می داند که عبارتند از: احترامی که دیگران به مامی گذارند و احترامی که خود به خود می گذاریم . وقتی احساس احترام درونی می کنیم که به خود احترام بگذاریم. یعنی احساس ایمنی درونی و اعتماد به خود پیدا کنیم و خود را ارزشمند و شایسته احساس کنیم زمانی که فاقد احترام به خود باشیم در مقابله بازندگی احساس حقارت– دلسردی و ناتوانی می کنیم، این احساسات خودبه وجودآورنده دلسردی ویاس اساسی ویاگرایش های روان نزندانه یاجبرانی خواهدشد (شولتز، ۱۹۷۷: ۱۸۳). مفهوم خویشتن مهمترین پدیده و عنصراساسی درنظریه راجرز است . به نظر راجرز انسان عوامل محیط خود را درک می کند و در ذهن خود به آن معنی می دهد. مجموعه این سیستم ادراکی و معنایی، میدان پدیداری روانی فردرامی سازد. نیاز به دریافت توجه مثبت آنقدر قوی است که فرد ممکن است آن را به تجارت مثبتی که در جریان تحقیق نفس احساس می کند، ترجیح دهد. ازطریق نگرش های مثبت و احترام آمیزی که توسط دیگران نسبت به فرد بروزداده می شود احترام و توجه مثبت نسبت به خود، به وجود می آید. پس از تشکیل نگرش مثبت نسبت به خود، در فرد به جای آن که او توجه مثبت و احترام را از دیگران بگیرد، ازخودش می گیرد. به وجودآمدن نگرش مثبت واحترام آمیز نسبت به خود در فرد گام دیگری درجهت ایجاد یک شخصیت خودمختار و سالم است (شفیع آبادی، ۱۳۷۱: ۵۰).

فرضیه های تحقیق

بنابراین با توجه به مبانی نظری و تجربی تحقیق، فرضیه های تحقیق به صورت زیر می باشند:

۱- بین سبک هویت دستیابی و عزت نفس در دانش اموزان دبیرستان های متوسطه دوم شهرستان ایرانشهر رابطه معناداری وجود دارد.

۲-بین سبک هویت پراکندگی و عزت نفس در دانش اموزان دبیرستان های متوسطه دوم شهرستان ایرانشهر رابطه معناداری وجود دارد.

۳-بین سبک هویت ممانعت و عزت نفس در دانش اموزان دبیرستان های متوسطه دوم شهرستان ایرانشهر رابطه معناداری وجود دارد.

۴-بین سبک هویت تعلیق و عزت نفس در دانش اموزان دبیرستان های متوسطه دوم شهرستان ایرانشهر رابطه معناداری وجود دارد.

روش شناسی تحقیق

در این پژوهش از روش توصیفی-همبستگی استفاده شده است. جامعه مورد تحقیق که این نمونه ازآن انتخاب شده است ازبین دانش آموزان پسر سال اول و دوم متوسطه و سال چهارم (پیش دانشگاهی) شهرستان ایرانشهر بودند. جامعه آماری شامل ۲۱۵۴ نفر بوده است. در این تحقیق برای برآورد حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است. بر اساس فرمول کوکران حجم نمونه برابر ۳۲۷ نفر است. در این تحقیق از روش نمونه گیری تصادفی ساده استفاده شده است.به منظور گرد آوری اطلاعات لازم ، پاسخنامه های هر دو آزمون مورد استفاده (آزمون عینی گسترش یافته پایگاه هویت من و آزمون عزت نفس کوپر اسمیت) در اختیار تمامی آزمودنیها قرار

گرفت . برای پرسشنامه ۵۸ سوالی کوپر اسمیت که جهت سنجش عزت نفس تهیه شده بود مدت زمان پاسخگویی ۱۵ دقیقه در نظرگرفته شد و برای آزمون گسترش یافته پایگاه هویت من که دارای ۶۴ آیتم بود مدت زمان ۲۰ تا ۲۵ دقیقه در نظرگرفته شد. هر دو آزمون به تمامی آزمودنیها ارائه شد و از آنان خواسته شد پاسخ دهند.

تعریف مفهومی متغیرها

پایگاه هویت: جیمز مارسیا ، روان شناس کانادایی در پی نظریه هویت اریکسون، تعریف خود از هویت مبتنی بر دو مولفه بحران و تعهد ارائه کرد. مارسیا در سال ۱۹۸۰ ، در جریان مصاحبه های ساختاری ای که با جوانان انجام داد، به چهار ساخت هویتی موفق، دیر تحقق پذیر، زودتحقق پذیر و آشفته دست یافت. تلاش مارسیا، برای عملیاتی کردن روند هویت یابی جوان در نظریه اریکسون که با توجه به دو عامل درجه تعهد و درجه بحران(اکتشاف) به مقوله های چهارگانه هویت انجامید (علمی و باقری زنونز، ۱۳۹۲: ۳۳۴-۲۳۳).

عزت نفس: از دیدگاه راجرز عزت نفس عبارت است از ارزیابی مداوم شخص نسبت به ارزشمندی خویشتن خود. عزت نفس نوعی قضاوت نسبت به ارزشمندی وجودی است . این صفت در انسان حالت عمومی دارد و محدود و زودگذر نیست. طبق نظر راجرز، این احساس عزت نفس در اثر نیاز به نظر مثبت بوجودمی آید. نیاز به نظر مثبت دیگران شامل بازخوردها، طرز برخورد گرم و محبت آمیز، احترام ، صمیمیت ، پذیرش و مهربانی از طرف محیط بخصوص اولیاء کودک می شود(شاملو ،۱۳۶۸: ۶۰).

تعریف عملیاتی متغیرها

پایگاه هویت: پرسشنامه پایگاه هویت "من" را رل بنیون و آدامز در سال ۱۹۸۶ با اصلاح پرسشنامه عینی هویت "من" نسخه اول و با توجه به نظریه اریکسون و مارسیا طراحی کردند. این پرسشنامه ۶۴ آیتم دارد که شامل چهار زیر مقیاس هویت سردرگم، هویت دنباله رو، هویت بحران زده و هویت دستیابی است و هر زیر مقیاس ۱۶ عبارت را در بر می گیرد (به نقل از ادبی، ۱۳۷۹).

عزیت نفس: آزمون عزت نفس کوپر اسمیت نگرش فرد را نسبت به خودش در چند حیطه به ویژه در رابطه با گروه همسالان و والدین و محیط مدرسه می سنجد ، این آزمون مشتمل بر ۵۸ سوال است که هرکدام ازسوالات دارای ۲ گزینه است . جواب ها تحت عنوان بلی و خیر مشخص شده است.

یافته های تحقیق

جدول ۱ توصیف کننده ۴ نوع سبک های هویت می باشد. از جمع کل پاسخگویان ۲۹/۴ درصد دارای سبک هویت دست یابی و ۴۱ درصد نیز دارای سبک هویت تعلیق بوده اند. ۱۷/۲ درصد نیز دارای سبک هویت ممانعت و ۱۲/۳ درصد هم دارای سبک هویت پراکندگی بوده اند. با توجه به یافته های جدول ۱ بیشتر دانش آموزان دارای سبک هویتی تعلیق بوده اند.

جدول شماره ۱: توزیع فراوانی آزمودنیها بر حسب سبک هویت

سبک هویت	فراوانی	درصد
دستیابی	۹۵	۲۹/۴
تعلیق	۱۳۴	۴۱/۰
ممانعت	۵۹	۱۷/۲
پراکندگی	۳۹	۱۲/۳
جمع کل	۳۲۷	۱۰۰/۰

جدول ۲ نشان می دهد افرادی که دارای عزت نفس پایین ۲۳/۱ درصد و افرادی که دارای عزت نفس متوسط بوده اند ۵۰/۶ درصد دانش آموزان را تشکیل داده اند، و ۲۶/۳ درصد دانش آموزان هم گفته اند که دارای عزت نفس پایین می باشند.

جدول شماره ۲: توزیع فراوانی آزمودنیها بر حسب میزان عزت نفس

میزان عزت نفس	فراوانی	درصد
بالا	۷۵	۲۳/۱
متوسط	۱۶۵	۵۰/۶
پایین	۸۷	۲۶/۳
جمع کل	۳۲۷	۱۰۰/۰

آزمون فرضیه های تحقیق

جدول شماره ۳: ضریب همبستگی بین متغیرهای مستقل و عزت نفس دانش آموزان

متغیرهای مستقل	ضریب همبستگی پیرسون	تعداد	سطح معنی داری
سبک هویت دستیابی	۰/۲۶۳**	۳۲۷	۰/۰۰۰
سبک هویت پراکندگی	-۰/۳۰۸**	۳۲۷	۰/۰۰۰
سبک هویت ممانعت	۰/۲۱۹	۳۲۷	۰/۰۰۰
سبک هویت تعلیق	-۰/۲۷۳	۳۲۷	۰/۰۰۰

جدول ۳ بیان کننده ضریب همبستگی بین سبک های هویتی و عزت نفس دانش آموزان نمونه تحقیق می باشد. ضریب همبستگی پیرسونِ سبک هویت دستیابی و عزت نفس در دانش آموزان دبیرستان های متوسطه دوم شهرستان ایرانشهر برابر ۰/۲۶۳ بوده است که مستقیم می باشد. سطح معنی داری آن هم برابر ۰/۰۰۰ می باشد که از ۵ درصد کوچکتر است. بنابراین می گوییم که بین سبک هویت دستیابی و عزت نفس در دانش اموزان دبیرستان های متوسطه دوم شهرستان ایرانشهر رابطه مستقیم و معنی داری وجود دارد. بنابراین فرضیه صفر را رد و فرضیه تحقیق را قبول می کنیم و می گوییم بین سبک هویت دستیابی و عزت نفس در دانش اموزان دبیرستان های متوسطه دوم شهرستان ایرانشهر رابطه مستقیم و معنی داری وجود دارد.

همچنین ضریب همبستگی پیرسون بین سبک هویت پراکندگی و عزت نفس در دانش اموزان دبیرستان های متوسطه دوم شهرستان ایرانشهر برابر ۰/۳۰۸- و سطح معنی داری آن نیز برابر ۰/۰۰۰ می باشد که از ۵ درصد کوچک تر است. بنابراین می توان گفت که بین سبک هویت پراکندگی و عزت نفس در دانش اموزان دبیرستان های متوسطه دوم شهرستان ایرانشهر یک رابطه معکوس و معنی داری وجود دارد و این نتیجه قابل تعمیم به جامعه آماری می باشد. باتوجه به نتیجه بدست فرضیه بالا تایید می کنیم و می گوییم که بین سبک هویت پراکندگی و عزت نفس در دانش اموزان دبیرستان های متوسطه دوم شهرستان ایرانشهر رابطه معکوس و معنی داری وجود دارد.

ضریب همبستگی بین متغیر سبک هویت ممانعت و عزت نفس در دانش اموزان دبیرستان های متوسطه دوم شهرستان ایرانشهر برابر ۰/۲۱۹ و سطح معنی داری آن نیز برابر ۰/۰۰۰ می باشد که مستقیم و معنی دار است. بنابراین می توان گفت که هر چه سبک هویت ممانعت دانش آموزان بالاتر بوده است، عزت نفس آنها نیز بالا بوده است و این نتیجه با احتمال خطای ۵ درصد قابل تعمیم به جامعه

آماری تحقیق می باشد. پس فرضیه بالا را تایید می کنیم. و می گوییم بین سبک هویت ممانعت و عزت نفس در دانش اموزان دبیرستان های متوسطه دوم شهرستان ایرانشهر رابطه مستقیم و معنی داری وجود دارد.

ضریب همبستگی بین سبک هویت تعلیق و عزت نفس در دانش اموزان دبیرستان های متوسطه دوم شهرستان ایرانشهر برابر ۰/۲۷۳- بوده است و سطح معنی داری آن نیز برابر ۰/۰۰۰ بوده است که معنی دار است. بنابراین می توان گفت که بین سبک هویت تعلیق و عزت نفس در دانش اموزان دبیرستان های متوسطه دوم شهرستان ایرانشهر رابطه معکوس و معنی داری وجود دارد و این نتیجه با احتمال خطای یک درصد قابل تعمیم به جامعه آماری می باشد. به عبارت دیگر می توان گفت که هرچه سبک هویت ممانعت دانش آموزان بیشتر بوده است، عزت نفس آنها نیز پایین تر بوده است.

رگرسیون چند متغیره

جدول زیر مدل رگرسیونی تاثیر متغیرهای مستقل را بر عزت نفس دانش آموزان نشان می‌دهد. همانطور که در پایین نیز آمده است متغیرهای سبک هویت دستیابی، سبک هویت تعلیق، سبک هویت ممانعت و سبک هویت پراکندگی تاثیر معنی‌داری بر عزت نفس داشته اند. این متغیرها با همدیگر ۳۳ درصد از تغییرات عزت نفس دانش آموزان را تبیین می کنند.

جدول شماره ۴: میزان تبیین عزت نفس دانش آموزان توسط متغیرهای مستقل

سطح معنی داری	(R۲) تعدیل شده	ضریب تعیین چند گانه (R۲	متغیرهای مستقل
۰/۰۰۰	۰/۳۳	۰/۳۴	سبک هویت دستیابی، سبک هویت تعلیق، سبک هویت ممانعت و سبک هویت پراکندگی

جدول شماره (۵) ضرایب استاندارد شده متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته یعنی عزت نفس دانش آموزان را نشان می‌دهد. همانگونه که نشان داده شده است ضریب بتای سبک هویت دستیابی بر عزت نفس دانش آموزان برابر ۰/۳۴۶ می‌باشد. یعنی می‌توان گفت که با کنترل سایر متغیرهای تحقیق، به ازای هر واحد انحراف معیار تغییر در سبک هویت دستیابی، ۴۱درصد واحد انحراف معیار در عزت نفس دانش آموزان تغییر بوجود می‌آید. ضریب بتای متغیر سبک هویت تعلیق هم ۰/۱۱۸- است که تاثیر آن نیز منفی و معنی دار است. همچنین ضریب بتای متغیر سبک هویت ممانعت با کنترل سایر متغیرها برابر ۰/۱۵۰ است؛ یعنی به ازای هر واحد انحراف استاندارد تغییر در سبک هویت ممانعت ، مقدار ۱۵ درصد انحراف معیار به عزت نفس دانش آموزان افزوده می شود. ضریب بتای سبک هویت پراکندگی نیز برابر ۰/۲۳۱- می باشد که معنی دار است. بنابراین به ازای هر واحد انحراف معیار تغییر در متغیر سبک هویت پراکندگی مقدار ۲۳ درصد انحراف معیار در عزت نفس دانش آموزان تغییر بوجود می آید.

جدول شماره ۵: ضرایب رگرسیونی برای عزت نفس دانش آموزان

سطح معنی داری	آزمون T	ضرایب استاندارد شده بتا	متغیرهای مستقل
۰/۰۰۰	۸/۴۸	۰/۳۴۶	سبک هویت دستیابی
۰/۰۴	۲/۴۶	-۰/۱۱۸	سبک هویت تعلیق
۰/۰۰۵	۳/۰۱	۰/۱۵۰	سبک هویت ممانعت
۰/۰۰۰	۴/۲۶	-۰/۲۳۱	سبک هویت پراکندگی

بحث و نتیجه گیری

نوجوانان و جوانان قشر عظیمی از جمعیت کشورها به ویزه کشور ما را تشکیل می دهد که در پویایی و تداوم حیات اجتماعی یک ملت و رشد و پیشرفت همه جانبه آن نقش به سزایی ایفا می کنند، از این رو توجه به ایشان و شناخت وضع مسائل و مشکلات آنان سرلوحه بسیاری از برنامه ها اقدامات و فعالیت های مسئولین مربیان و والدین را تشکیل می دهد. اگر جوانان و نوجوانان به خوبی شناخته شوند و از ظرفیتهای ذهنی و جسمی آنان به درستی بهره برداری گردد و مسائل ایشان در زمینه های مختلف به دقت مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد آنگاه قادر خواهیم بود که زمینه ارتقای اخلاقی، اعتقادی، علمی و هنری آنان را به نحو مطلوبی فراهم سازیم. به نظر بسیاری از روان شناسان برای تشکیل ساختار کلی زندگی ، گر چه همه دوران عمر مهم است، بلکه برخی از آنها مهمتر از برخی دیگر است . نوجوانی که با تغییرات گوناگون در ابعاد متعدد همراه است، یکی از بحرانی ترین ادوار زندگی انسان محسوب می شود. انسان در زندگی به دنبال معنایی می گردد که به خاطرآن زندگی می کند و با رشد عقلانی فرد در دوره نوجوانی توجه او به ارزشها و اعتقادات، مفاهیم حقیقت ، زیبایی و مرگ و نیستی که در کل معنای زندگی است جلب می شود و نوجوان تمام روابط و باورهایی که در دوران کودکی بدون چون و چرا پذیرفته است را مورد پرسش و تردید قرار می دهد و سعی می کند با توجه به شخصیت شکل پذیر و استقلال جوی خود نظامی از ارزشها بدست آورد.

این تحقیق به روش پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسشنامه بر روی ۳۲۷ نفر از دانش آموز سال اول و دوم و چهار متوسطه دوره دوم اجرا شده است. نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که همبستگی بین سبک هویت دستیابی و عزت نفس ۰/۲۶۳ بوده است. نبابراین گفت که بین سبک هویت دستیابی و عزت نفس رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین همبستگی بین پایگاه پراکندگی وعزت نفس برابر ۰/۳۰۸- می باشد. بنابراین می توان بیان نمود که بین سبک هویت پراکندگی و عزت نفس رابطه منفی و معناداری وجوددارد. اما در بررسی نمره همبستگی سبک هویت تعلیق وعزت نفس که دارای نمره ای معادل ۰/۲۷۳- همبستگی منفی و معناداری مشاهده شد. و همبستگی سبک هویت ممانعت و عزت نفس بانمره همبستگی ۰/۲۱۹ رابطه مستقیم و معناداری مشاهده شد.

همانگونه که در بالا گفته شد بین ابعاد سبک های هویت و عزت نفس دانش آموزان هبستگی معناداری وجود داشته است. این نتیجه با یافته های تحقیقات فیضی (۱۳۹۵) بر روی دانشجویان دانشگاه خوارزمی، برقی جانیارلو(۱۳۹۲) بر روی دانش آموزان دوره متوسطه شهرستان اردبیل، فرهمندپور (۱۳۸۹) بر روی دانش آموزان راهنمایی آزار دیده و آزار ندیده در شهر شیراز، مظلوم بنهنگی و فاروقی (۱۳۷۹) بر روی دانشجویان دانشگاه فردوسی، پیری (۱۳۸۳) بر روی دانش آموزان دختر مقطع پیش دانشگاهی تهران، قلعه نوعی و همکاران (۱۳۹۵) در دانش آموزان پسر مقطع متوسطه شهر سبزوار و جعفری و باقری (۱۳۹۵) بر روی دانشجویان دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی-واحد نکا و مال ویرانی (۱۳۹۶) بر روی دانش آموزان پیش دانشگاهی شهرستان ایذه که همگی آنها دریافتند سبک های هویت جوانان با عزت نفس آنها رابطه معناداری داشته است، منطق است و نتیجه این تحقیق در راستای نتایج تحقیقات ذکر شده در بالا می باشد.

در تبیین نتیجه بالا کولی معتقد است که هر هر برداشتی که شخص از خود دارد در هر ذهن معینی وجود دارد و نوعاً احساسی که شخص از خود دارد یا رویکردی تعیین می‌شود که فکر می‌کنیم دیگران نسبت به خود ما دارند؛ بدین‌سان که در اذهان دیگران از قیافه، رفتار، هدف‌ها، کردار و دوستانم وجود دارد و این ابعاد خود به شیوه های گوناگون تحت تأثیر این تصور ما قرار دارد (ریتزر،۱۳۸۹). مطابق با نظر کولی می‌توان گفت هویت یک فرد همان خود آینه سان اوست که در جریان تعاملات فرد با دیگران یا به عبارتی با نگاه کردن در آینه دیگران از خود به دست می‌آورد. این هویت ضرورتاً اجتماعی است و در جریان تعاملات و ارتباطات اجتماعی شکل گرفته و فرد از آن آگاهی دارد (تنهایی،۱۳۷۳). بنابراین می توان گفت که هویت افراد می تواند روی رفتار و نگرش ها و بالتبع بر عزت نفس آنها موثر واقع گرد. تاجفل هم بر این عقیده است که افراد دارای عضویت‌های مقوله‌ای هستند که تعریف آنها از خودشان و ویژگیهای گروهی را که دستورالعمل رفتار یا نشانه‌های هنجاری رفتار را تجویز می‌کند، مشخص می‌کند. تاجفل هویت اجتماعی را با عضویت گروهی پیوند می‌زند و آن را متشکل از سه عنصر می‌داند: عنصر شناختی (آگاهی از اینکه فرد به یک گروه تعلق دارد)، عنصر

ارزشی (فرضیاتی درباره پیامدهای ارزشی مثبت یا منفی عضویت گروهی) و عنصر احساسی (احساسات نسبت به گروه و نسبت به افراد دیگری که رابطه‌ای خاص با آن گروه دارند). بر طبق نظریه تاجفل افرادی که دارای پایگاه هویت منسجم و یکپارچه باشند، از عزت نفس بالایی برخوردار هستند و بهتر می توانند خود را در جامعه نمایان سازند.

اریکسون هم معتقد است بحرانهایی که در هر مرحله از رشد به وجود می آید، اساس سلامت یا ناسلامتی های بعدی شخصیت فرد را پایه ریزی می کنند. اگر در هر یک از این مراحل ، با این بحرانها که جنبه های مثبت و منفی دارند و قسمتی ازجنبه های طبیعی رشد محسوب می شوند، برخورد رضایت بخش شود، جنبه های مثبت شخصیت مانند اعتماد به نفس ، اعتماد به دیگران ، خودکفایی و عزت نفس به میزان بالایی جذب خودمی شوند و بدین ترتیب شخصیت به رشد سالم خود ادامه می دهد. برعکس اگرتعارض استمرار یابد و یا در اصل به نحو رضایت بخشی حل نشود خود درحال رشد صدمه می بیند و عناصر منفی شخصیت مانند بی اعتمادی ، شکست و تردید و احساس حقارت جذب خود می شود و در نتیجه شخصیت به شکل ناسالمی رشد می یابد. از دیدگاه اریکسون بحران هویت در نوجوانی و جوانی می تواند شخصیت و عزت نفس افراد را با مشکل مواجه سازد. برعکس تثبیت هویت و پایگاه هویت تثبیت شده می تواند موجب افزایش عزت نفس افراد شود. کلی نیز می گوید فردی که عزت نفس پایینی دارد، خود را آدم نالایق و بی ارزشی می داند و اغلب واکنشهای منفی ناشی ازفقدان عزت نفس است. او معتقد است که تصویر ذهنی مخدوش، به ذره بینی می ماند که کوچکترین اشتباه و جزیی ترین عیب را چند برابر بزرگ تر کرده و آن رابه حساب عیب شخصی می گذارد. در نتیجه خود را دست کم می گیرد و از خود انتقاد می کند. از دیدگاه راجرز نیز انسان عوامل محیط خود را درک می کند و در ذهن خود به آن معنی می دهد. مجموعه این سیستم ادراکی و معنایی ، میدان پدیداری روانی فرد را می سازد. به مرور که آگاهی از خود ظاهر می شود او فرد نیازی شکل می گیرد که نیاز به توجه مثبت و احترام نامیده می شود. نیاز به دریافت توجه مثبت، آنقدر قوی است که فرد ممکن است آنرا به تجارت مثبتی که در جریان تحقیق نفس احساس می کند، ترجیح دهد. ازطریق نگرش های مثبت و احترام آمیزی که توسط دیگران نسبت به فرد بروز داده می شود، احترام و توجه مثبت نسبت به خود، به وجودمی آید. پس ازتشکیل نگرش مثبت نسبت به خود، در فرد به جای آن که او توجه مثبت و احترام را از دیگران بگیرد، از خودش می گیرد.بنابراین با توجه به اینکه سبک های هویت دانش آموزان بر عزت نفس آنها تاثیر معناداری داشته اند، پیشنهاد می گردد که خانواده، مدرسه و رسانه ها هویت مناسبی را در جوانان نهادینه سازند و از بحران هویت جوانان جلوگیری نمایند.

منابع و مآخذ

ادبی، راضیه (۱۳۷۹) بررسی رابطهٔ پایگاه هویت و سلامت روانی در اوایل و اواسط نوجوانی، پایان نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

احمدی، احمد (۱۳۷۵) "روانشناسی نوجوانان و جوانان"، تهران، انتشارات مشعل.

اکبر زاده ، نسرین (۱۳۷۶) ، "گذار از نوجوانی به پیری" ، تهران، انتشارات دانشگاه الزهرا.

آلمال، فرنگیس (۱۳۷۵)، "عوامل مؤثر بر بروز هویت فرهنگی دانش آموزان پایه ی دوم منطقه ی ۵ تهران"، پایان نامه ی کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی تهران، دانشگاه علامه طباطبائی .

برقی جانیارلو، شیدا (۱۳۹۲)، " ارتباط سبک های هویت، عزت نفس و خود پنداره با خود اثرمندی دانش آموزان دوره متوسطه در شهرستان اردبیل"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه محقق اردبیلی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی.

مظلوم، بنهنگی، علی و فاروقی، حسن (۱۳۷۹)، " بررسی تاثیر عزت نفس و هویت در دانش آموزان شهر مشهد"، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد.

بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۷۳)، " شیوه های افزایش عزت نفس در کودکان و نوجوانان"، تهران، انجمن اولیا و مربیان.

بیکر، ترز ال (۱۳۷۷)، "نحوه انجام تحقیقات اجتماعی"، ترجمه هوشنگ نایبی، تهران، انتشارات روش.

پیری، لیلا (۱۳۸۳)، "بررسی رابطه بین سبکهای هویت با مهارتهای زندگی (توانایی ابراز وجود و مقابله با فشار روانی) در دانش آموزان دختر مقطع پیش دانشگاهی تهران(۸۳-۸۲)"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت معلم تهران، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.

تنهایی، حسین ابوالحسن (۱۳۷۳)، "درآمدی بر مکاتب و نظریه های جامعه شناسی"، تهران، نشر مرندیز.

جعفری، محبوبه و باقری، حسین (۱۳۹۵)، "بررسی سبکهای هویت، عزت نفس و دینداری دانشجویان دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی-واحد نکا"، مقاله ارایه شده در سومین کنفرانس بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی.

چلبی، مسعود(۱۳۷۵)، "جامعه شناسی نظم"، تشریح و تحلیل نظم اجتماعی، تهران، نشر نی، چاپ اول.

چلبی، مسعود(۱۳۸۱)، "بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران"،انتشارات مؤسسه پژوهشی فرهنگ و هنر و ارتباطات، تهران.

ذکایی، محمد سعید (۱۳۸۰)، "رابطه هویت یابی جمعی و ارزش های دیگرخواهانه"، نامه انجمن جامعه شناسی ایران شماره های ۵.

رمضانی ،رحمت(۱۳۸۱)، "مقایسه نوع هویت دانش اموزان پیش دانشگاهی استفاده کننده از ماهواره و شبکه های خارجی تلویزیون و دانش اموزان غیر استفاده کننده"، پایا نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس تهران.

ریتزر، جورج(۱۳۸۹)، "نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر"، ترجمه : محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.

شاملو ، سعید (۱۳۶۳)، "مکاتب و نظریه ها در روان شناسی" ، انتشارات چهر.

شفیع آبادی ، عبدالله ، ناصری ، غزاله (۱۳۷۷)، "نظریه های مشاوره و روان درمانی" ، مرکز نشردانشگاهی.

شولتز ، دوان . ش.لتز ، سیدنی الن (۱۹۹۸)، "نظریه های شخصیت" ، ترجمه یحیی سیدمحمدی، نشر ویرایش

علمی، محمود و باقری زنونز، بهارک (۱۳۹۲)، "بررسی رابطه پایگاه هویت و مدیریت بدن در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز"، فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال دهم، شماره ۳۸، پاییز ۱۳۹۲.

فرهمندپور، الهه (۱۳۸۹)، "مقایسه سبک دلبستگی و عزت نفس دانش آموزان راهنمایی آزار دیده و آزار ندیده در شهر شیراز"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.

فیضی، سودابه (۱۳۹۵)، "بررسی رابطه سبک های هویتی و عزت نفس با انطباق پذیری شغلی دانشجویان"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه خوارزمی، دانشکده روانشناسی.

قلعه نوعی، محمود؛ عاشری، طاهره و خوارزمی رحیم آبادی، رحمت اله (۱۳۹۵)، "رابطه بین سبکهای هویت با عزت نفس در دانش آموزان پسر مقطع متوسطه شهر سبزوار"، مقاله ارایه شده در اولین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی و مطالعات اجتماعی ایران.

کدیور، پروین (۱۳۸۰)، "روان شناسی تربیتی"، تهران، انتشارات سمت.

گیدنز ، آنتونی (۱۳۷۸)، "تجدد و تشخص ، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید" ، ناصر موفقیان، تهران، نشر نی.

مال ویرانی، مهدی (۱۳۹۶)، "رابطه سبک های هویت و عزت نفس با عملکردتحصیلی دانش آموزان پیش دانشگاهی شهرستان ایذه"، مجله پیشرفت های نوین در علوم رفتاری، دوره دوم، شماره نهم، تیر ماه .

هیل، پیترو رالف هود ، (۱۳۸۲)، "معرفی مقیاس های دینی"، ترجمه ی مسعود آذربایجانی و سید مهدی موسوی اصل پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

Cramer P. (1997),“Identity, personality and defence mechanism”, Jornal of Research in personality, 31(1), 58-77

Kroger, J. (1996), “Identity in a dolesence, the blance Between self and other”, New York, Rout ledge.